

نوآوری در ادبیات انقلاب اسلامی

ب: پدیده‌های جدید ادبی که مولود انقلاب و سال‌های دفاع مقدس‌اند و پیش از این در گذشته ادبی ما بسیار نادر و اندک یاباند مانند وصیت‌نامه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، لباس‌نوشته‌ها و کوتاه‌نگاری‌های جبهه، در سال‌های اخیر نیز پدیده‌هایی چون تلفن‌همراه، رایانه و اینترنت سبب ظهور ادبیاتی شده‌اند که در گذشته تاریخی ما به سبب فقدان چنین پدیده‌هایی، نشان از آن‌ها نمی‌یابیم.

ج: ژرفا و عمق‌یابی شاخه‌هایی از ادبیات که هرگز باروری و رشد کمی و کیفی روزگار ما را نداشته‌اند مانند ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات رسانه‌ای (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و نرم‌افزارها) و ادبیات طنز طرح این مسائل بهانه‌ای است برای دعوت پژوهشگران، نویسندگان و صاحب‌نظران برای بررسی عالمانه و ژرفکاوانه این پدیده‌ها و کرانه‌های آن‌ها.

اینک این خوان بی‌دریغ فراروی ما گسترده است و قلم‌ها و اندیشه‌هایی را می‌طلبد تا فارغ و مضمّم، قدم در راه بگذارند و این راه‌های نارفته را با سلوکی محققانه به امروزیان و آیندگان بشناسانند.

هرچند این دیدگاه که بررسی پدیده‌های ادبی باید پس از گذشت مدت مدید بررسی شود امروزه اندیشه‌ای غیرعلمی و نوعی گریز قلمداد می‌شود اما حتی در صورت پذیرش چنین دیدگاهی، سه دهه زمان -حداقل- کافی است که دست به کار تحلیل و تبیین این قطعه تاریخی بشویم. قطعه‌ای که تولید آن در همین سه دهه گذشته به اندازه پانصدسال گذشته است!! اینک در سالگرد انقلاب اسلامی، دیگر بار شما فرهیختگان و فرزندان و اهالی قلم را به اندیشیدن و نوشتن در این حوزه‌ها می‌خوانیم. امیدواریم در آینده به همت و پایداری شما توفیق چاپ چند ویژه‌نامه در حوزه‌های پیش‌گفته را بیابیم.

حق یارتان

محمد رضا سنگری

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ که از سرچشمه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ سیراب شده بود، نه تنها در عرصه سیاسی و اقتصادی تحول آفرید که در ساحت هنر و ادبیات نیز زمینه‌ساز تحولات چشمگیر و شگرف و خلق فضاهاى تازه و بدیع گردید. اینک در چهارمین دهه از عمر این رخداد عظیم تاریخی، زمان آن فرارسیده است که صاحب‌نظران و اندیشه‌وران پدیده‌های نوظهور ادبی انقلاب را بررسی، واکاری و بازشناسی کنند و چند و چون آنان را تبیین، تحلیل و نقد کنند تا راه برای رسیدن به افق‌هایی تازه‌تر و فتح قله‌هایی فرازتر، فراهم شود.

نوآوری در ادبیات انقلاب اسلامی، در چند زمینه قابل بررسی است: الف: ظرفیت‌بخشی در حوزه گونه‌ها و قالب‌های سنتی مثلاً در شعر به‌ویژه در دهه هشتاد که رویدادهای زیر قابل بررسی است: ■ بهره‌گیری از ظرفیت اوزان شعری مانند آنچه در سروده‌های علی معلم دیده می‌شود.

■ پیوند قالب‌های شعری با هم مانند غزل - سبید، غزل - مثنوی، غزل - قصیده و آفریدن ظرفیت‌های جدید متناسب با نیازهای انقلاب

■ بهره‌گیری از ظرفیت‌های تازه در قافیه و ردیف که در شعر شاعران دهه هشتاد چشمگیر و در برخی نمونه‌ها بدیع و ستودنی است.

■ نوآوری در فاصله‌گذاری شعر و بهره‌گیری از شکل دیداری برای القای بهتر و مؤثرتر مفهوم مانند استفاده از فاصله کلمات، نقطه‌ها، نشانه‌های سجاوندی و هندسه و چینش متفاوت مصراع‌ها و ادبیات

■ نوآوری در پایان‌بندی شعر مانند ناتمام گذاشتن، تغییر ردیف، حذف در پایان بیت و مصراع

■ بهره‌گیری از ظرفیت‌های سینمایی و ساختار نمایشنامه‌ای در شعر

■ نوآوری در آغاز و پایان شعر

■ احیای قالب‌های سنتی شعر مانند رباعی و دوبیتی و اخیراً ترجیع‌بند

■ رویکرد تازه در مضمون و موضوع و محتوا در شعر